

بازار ساوجبلاغ مَکری، کانون تجاری عصر قاجاریه در شمال غرب ایران

حسن کریمیان^۱؛ اسماعیل سلیمی^۲

چکیده

ساوجبلاغ مَکری (مهاباد فعلی) یکی از مهمترین شهرهای مناطق کُردنشین ایران است که بمدت چهار سده مرکز بخشی از کردستان ایران تحت عنوان «مَکریان» بوده است. بازار مهاباد از مهمترین فضاهای شهری تاریخی منطقه است. آنچه‌آنکه شواهد تاریخی نشان میدهد، بازار ساوجبلاغ در اواخر دوره صفویه بنا گردید و بعدها در دوره قاجاریه به مهمترین مرکز تجاری شمال غرب ایران بدل شد.

در نوشتار حاضر تلاش بر آن است تا به این پرسش پاسخ گفته شود که مهمترین عوامل رشد و توسعه این بازار چه بوده و دلایل تبدیل آن به کانون تجاری شمال غرب ایران در عصر قاجاریه کدامند؟ فرض بر آن است که موقعیت ویژه فضایی و ارتباطی مهاباد با مناطق همجوار از جمله شمال عراق، آناتولی، روسیه، فلات داخلی ایران و واقع شدن در یکی از راههای فرعی ابریشم و نقش آن بعنوان پل ارتباطی بین تبریز- بغداد، اصلیتیرین عامل در انتخاب بازار مهاباد بعنوان کانون تجاری منطقه بوده است. در پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌یی و میدانی مشخص گردید که علاوه بر شرایط ویژه ارتباطی، عوامل محیطی و طبیعی شامل جنگلهای نواحی سردشت و بانه، کشت توتون و دامداری بدلیل وجود مراتع غنی در انتخاب بازار مهاباد بعنوان کانون تجاری منطقه در عصر قاجاریه نقش اساسی داشته‌اند.

کلید واژگان: بازار؛ قاجاریه؛ ساوجبلاغ مَکری؛ مهاباد

۱. عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران؛ hkarimi@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ salimi.esmaeil@yahoo.com

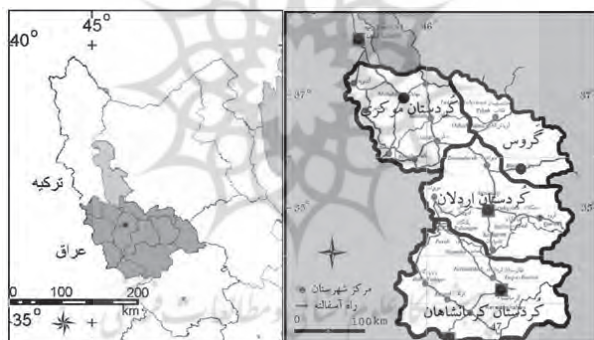
مقدمه

از ویژگیهای اصلی شهر در دوره اسلامی همانا ساختارهای بازرگانی آن است که بصورت مجموعه‌یی یکدست و به هم پیوسته، در فضایی فشرده، در میان شهر جای گرفته است و هنوز هم با وجود دگرگونیهای ظاهری، ویژگی اصلی شهر اسلامی را تداعی میکند (Wirth, 1974: 207-208). بازار مرکزی شهرهای اسلامی، مرکز ثقل اقتصادی و کانون نظام بهره‌وری سرمایه است و با خرید و فروش و پیشه‌وری گسترده بصورت مرکز رهبری امور اقتصادی و مالی شهر درآمد است و جایگاهی محوری در سیاست و دین دارد. با این برداشت بازار نهادی معادل محله مرکزی معاملات شهرهای بزرگ امروز قلمداد میشود (Bobek, 1959: 259). بازار علاوه بر اینکه واسطه ضروری و حلقه اصلی زنجیره تولید و توزیع و مصرف است، جایگاهی برای بهره‌برداری از سرمایه نیز دارد (Lapidus, 1967: 59). شهرهای پیش از سال ۱۳۰۰ ه. ش در ایران، دربردارنده نشانه‌هایی بودند که آنها را به نمونه‌های ویژه شهر سنتی اسلامی بدل میساخت (Ehlerz, 2001: 166). مسجد جامع و بازار، دو عنصر شهری بودند که با تعامل یا روابط متقابل در مرکز شهر قرار داشتند و ارگ نیز گاه در کنار مسجد جامع و بازار، بگونه‌یی مرتبط با این دو عنصر واقع میشد (Soltanzadeh, 1986: 270-288). یکی از مهمترین فضاهای شهر مهاباد در دوره قاجاریه بازار آن بود که هسته اولیه آن در دوره صفویه شکل گرفت و در این دوره توسعه یافت. بازار بعنوان قلب تپنده تجاری شهر در مهاباد همچون سایر شهرهای دیگر از رشد نسبتاً زیادی برخوردار بوده است. بازار مهاباد با معماری در خور توجه در مرکز شهر احداث شده و دارای راسته‌های مختلفی نظیر مسگران، سماورفروشان، پارچه‌فروشان، پشم‌فروشان، کتیرا و ... بوده است. در داخل این بازار میدانهای چهارگانه از جمله منگوران، همه خرچه، آردی و آهنگران وجود دارد که هر کدام از آنها نقش جداگانه‌یی در تولید و تأمین ساکنان شهر و مناطق اطراف دارند. بعلاوه، این بازار دارای کاروانسراهای متعددی مانند: شیخی، سیمون، عایشه‌مار، نراقیان، تاجرباشی، کوسه، موصلیان و سرای‌های کریمخان، عباس آقا و شافعی بوده است. بازار مهاباد بدلیل واقع شدن در منطقه سرد و کوهستانی سرپوشیده بوده و با بازار نواحی اطراف خود از جمله تبریز شباهت داشته است. بطور کلی بازار و تمام فضاهای دیگر آن نقش مهمی در تأمین نیازهای مردم شهر مهاباد و نواحی اطراف و صادر کردن مواد اولیه به بازارهای نواحی مختلف داخلی و خارجی ایفا میکنند.

موقعیت جغرافیای منطقه مورد مطالعه

بطور کلی کُردستان ایران شامل چهار منطقه "کُردستان مُکریان" به مرکزیت ساوجبلاغ (مهاباد کنونی)، "کُردستان اردلان" (سنندج)، "کُردستان گروس" (بیجار) و "کُردستان کرمانشاهان" (کرمانشاه) است (دمورگان، ۱۳۳۹: ۲-۴۹-۶۳).

اصطلاح مُکری یا مُکریان از آغاز سده هشتم هجری قمری (قرن چهاردهم میلادی) توسط مورخان و نویسندگان قرون متأخر اسلامی و سیاحان و جهانگردان خارجی به مناطق جنوب دریاچه ارومیه اطلاق شده است (بدلیسی، ۱۸۶۰؛ روحانی، ۱۳۸۲؛ دمورگان، ۱۳۳۹؛ نیکیتین، ۱۳۶۶؛ Ker Porter, 1822؛ Bishop, 1891؛ Rawlinson, 1840). مُکریان به مرکزیت مهاباد (ساوجبلاغ سابق) شامل جنوب و جنوب غرب استان آذربایجان غربی و بخش محدودی از استان کُردستان شامل شهرهای مهاباد، بوکان، اُشویه، پیرانشهر، نقده، میاندوآب، شاهین دژ، تکاب و قسمت کوچکی از سقز بوده است (نقشه ۱)، (محمودی، ۱۳۷۵: ۱۸).



نقشه ۱) تقسیم‌بندی کُردستان ایران از دیدگاه جغرافیدانان قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی و موقعیت ولایت مُکریان در جنوب دریاچه ارومیه (نیکیتین، ۱۳۶۶؛ خضری، ۱۳۸۸: ۱۳۸)

برای نخستین بار به نام «ساوجبلاغ» در منابع مکتوب محلی عصر صفویه، از جمله در سندی با تاریخ ۱۰۸۹ ه. ق. بصورت «ساوجبلاغ کُردستان» برخورد میکنیم (غزالی، ۱۳۸۶: ۹۷۳) و در منابع مکتوب دوره «افشاریه» نام «ساوجبلاغ» بعنوان مرکز «ولایت مُکری» ذکر گردیده است (مروی وزیر مرو، ۱/۱۳۶۴) و از این تاریخ به بعد، نام ساوجبلاغ در میان متون دوره‌های زندیه، قاجاریه و پهلوی که به «مهاباد» تغییر نام داده، حضور کاملاً محسوسی داشته و اطلاعات بالنسبه زیادی از این طریق حاصل میشود.

چنانکه شواهد باستان‌شناسانه گواهی می‌دهند، قدمت این شهر به قبل از دوره افشاریه می‌رسد؛ چرا که مستندات تاریخی و مدارک باستان‌شناسی از جمله «مسجد سرخ» (سور) با داشتن کتیبه به تاریخ ۱۰۸۹ ه.ق همزمان با حکومت شاه سلیمان (۱۱۰۵-۱۰۷۷ ه.ق) و یافته شدن منابع مکتوب در ارتباط با این موضوع در انتساب این شهر به دوره صفویه جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی‌گذارد. شواهد موجود نشان می‌دهد که در اواخر دوره صفویه در زمان حکومت شاه سلیمان صفوی یکی از حکام مُکریان بنام «بوداق سلطان» شهر فعلی مهاباد که در آن زمان آبادی کوچک و کم‌اهمیتی بود، برای مرکز فرمانروایی خود انتخاب کرد و با احداث بناهای شاخصی مانند: مسجد و پل سرخ، مدرسه و کتابخانه، بند آب، کاروان‌سرا، قنات، گرمابه و ساخت آرامگاه برای خود شروع به عمرانی و آبادانی این شهر کرد (بابا طاهری، ۱۳۵۱: ۷-۵).

اطلاعات مرتبط به این شهر از ادوار زندگی و قاجاریه نیز بدلیل ارتباطات فرامنطقه‌یی کردستان مُکریان با شمال عراق، آسیای صغیر و روسیه بسیار است (دمورگان، ۱۳۳۹؛ مینورسکی، ۲۰۰۷؛ اوبن، ۱۳۶۲).

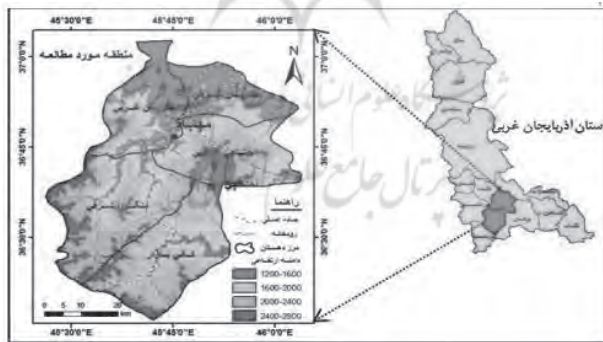
مهاباد در اوایل دوره قاجاریه بیشتر وجه نظامی به خود گرفت که تصاویر باقیمانده از این شهر با برج و باروی مستحکم و سربازخانه با معماری در خور توجه نشانه درستی این ادعاست (www. Harvard. Edu) بعلاوه، روی دادن وقایعی چون قیام شیخ عبیدالله شمزینی (نادر میرزا، ۱۳۶۰؛ غوریانس، ۲۵۳۶)، جنگ جهانی اول (لیتن، ۱۳۶۸؛ نیکیتین، ۱۳۲۹؛ ضیایی، ۱۳۶۳). شورش سمکو شکاک (کوچرا، ۱۳۷۷؛ وان برونسن، ۱۳۸۱) سبب دست به قلم شدن مورخان و نویسندگان ایرانی و بومی و روی آوردن سیاحان و مستشرقان به این منطقه از ایران شد و هر کدام با نوشتن مطالبی در مورد این شهر، از آن بعنوان مرکز کردستان مُکری و مهمترین شهر جنوب دریاچه ارومیه یاد کرده‌اند (نقشه ۲) (دمورگان، ۱۳۳۹؛ نیکیتین، ۱۳۶۶؛ Rawlinson, 1840؛ Ker Porter, 1822; Bishop, 1891).

ارتباط تجاری و فرهنگی مناسب با روسیه و احداث قونسولگره‌هایی از دولتهای عثمانی، روسیه و آمریکا در آن (صمدی، ۱۳۷۳: ۱۳۷) و همچنین واقع شدن در جاده ابریشم (مجیدزاده، ۱۳۶۶: ۳؛ ریاضی، ۱۳۷۴: ۴۹) ساوجبلاغ را به مهمترین قطب سیاسی- نظامی و تجاری در منطقه بدل کرد.



نقشه ۲) موقعیت ولایت مُکریان در جنوب دریاچه ارومیه به مرکزیت ساوجبلاغ (Rawlinson, 1840: 65)

مهاباد که در گذشته «ساجبلاغ مُکری» و به زبان مردم بومی «سابلاغ» نامیده میشد، در سال ۱۳۱۶ هـ.ش همزمان با تعویض نام بسیاری از شهرهای ایران به «مهاباد» تغییر نام پیدا کرد (نوحه‌خوان، ۱۳۹۱: ۱۱۸). در حال حاضر نیز مهاباد یکی از مهمترین شهرهای کُردنشین جنوب استان آذربایجان غربی است که با مختصات جغرافیایی "۵۸. ۴۸'۴۲. ۳۶° عرض شمالی و "۷۵ ۳۸' ۴۸. ۴۵° طول شرقی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ و در ارتفاع ۱۳۲۵ متری از سطح دریا واقع شده است. به بیان دیگر، منطقه مورد مطالعه، از شمال به شهرستان میاندوآب و دریاچه ارومیه، از جنوب به شهرستانهای سردشت و بوکان، از غرب به شهرستانهای پیرانشهر و نقده و از شرق به شهرستان بوکان محدود است (نقشه ۳).



نقشه ۳) منطقه مورد مطالعه (مقصودی، مهران و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۶)

پیشینه پژوهشی

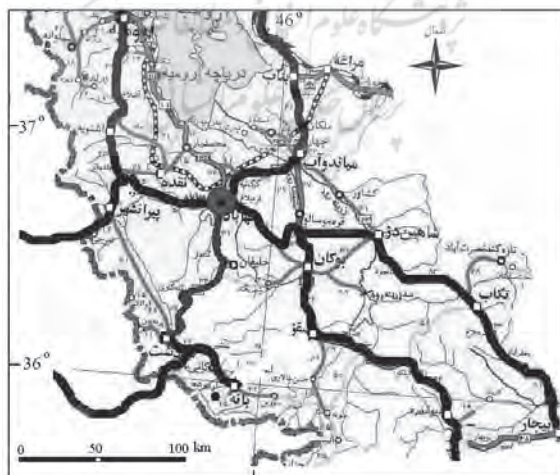
متأسفانه تاکنون در خصوص بازار ساوجبلاغ مُکری (مهاباد) بعنوان بارزترین مرکز تجاری شمال غرب ایران در عصر قاجاریه، هیچگونه پژوهشی صورت نگرفته است. بیشاپ از افرادی است که

به بازار مهاباد اشاره کرده و نوشته است: «بازار ساوجبلاغ باریک، تاریک، شلوغ و پراز کالاهای روسی، اجناس چرمی، لباسهای دوخته شده و میوه‌های مانند خریزه، انگور و ذرت بو داده است» (Bishop, 1891: 208). راولینسون، ژاک دمورگان، اوژن اُبن و مینورسکی از افراد دیگری هستند که در مورد محصولاتِ مانند بلوط، مازو، گه‌زو و پشم که در بازار مهاباد جمع‌آوری شده و به دیگر نواحی ایران و حتی خارج از ایران، بخصوص روسیه، صادر میشد، صحبت کرده‌اند (Rawlinson, 1840: 29؛ دمورگان، ۱۳۳۹: ۴۷؛ مینورسکی، ۲۰۰۷: ۹۹؛ اُبن، ۱۳۶۲: ۱۱۴).

واسیلی نیکیتین بازار ساوجبلاغ را محیط مناسبی برای بسط و توسعه صنایع چرمسازی، فلزی و چوبی دانسته است (نیکیتین، ۱۳۶۶: ۱۳۹). ریچارد. آ. موبلی نیز از حدود دو هزار باب مغازه در ساوجبلاغ یاد کرده است (موبلی، ۲۰۰۸: ۲۴). از بارزترین مطالعات صورت گرفته در مورد بازار ساوجبلاغ میتوان به کتاب تاریخ مهاباد اثر سیدمحمد صمدی اشاره کرد که در آن نویسنده اطلاعات مفیدی درباره بنای بازار، راسته‌ها و کاروانسراهای مختلف آن، حضور تجاری از نواحی مختلف ایران و خارج از ایران بدست میدهد (صمدی، ۱۳۷۳: ۱۳۶).

شبکه‌های ارتباطی منتهی به بازار ساوجبلاغ

بدلیل وجود رشته کوههای مرتفع در اطراف کُردستان مُکری و بویژه ساوجبلاغ، در طول تاریخ ارتباط این منطقه و بازار آن با مناطق پیرامون از طریق کانالها یا دهلیزهای ارتباطی معینی برقرار بوده که آنها را میتوان در چهار دسته تقسیم‌بندی کرد: (نقشه ۴).



نقشه ۴) مهم‌ترین شبکه‌های ارتباطی منتهی به بازار ساوجبلاغ (دمورگان، ۱۳۳۹: ۴۸)

۱. مسیر ارتباطی ساوجبلاغ به آذربایجان

راه ساوجبلاغ به آذربایجان (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۳۵) از طریق میان‌دوآب میسر میشد و در واقع مهمترین راه برای ارتباط با آذربایجان و بویژه شهر تبریز بود. از این راه محصولات صادراتی مانند: پشم و مازو که از جنگلهای سردشت و بانه جمع‌آوری گشته و به بازار ساوجبلاغ آورده میشد، برای مصارف رنگرزی به تبریز و از آنجا از طریق آستارا به روسیه صادر میگشت (دمورگان، ۱۳۳۹: ۴۶-۴۷؛ اوبن، ۱۳۶۲: ۱۱۴). این راه در سمت شمال‌شرق مهاباد و در کنار قبرستان مَلاجمی قرار داشت (ر.ک. نقشه ۴).

۲. مسیر ارتباطی ساوجبلاغ به کردستان اردلان و کرمانشاهان و گروس

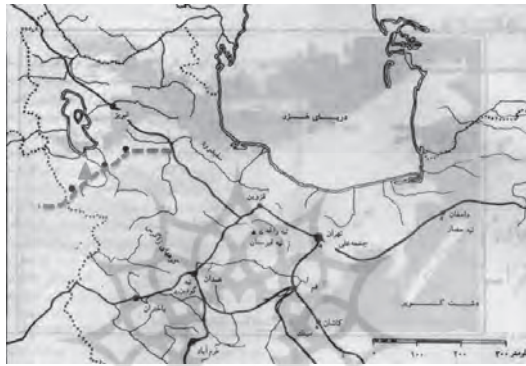
راه دوم در واقع یگانه راه کاروان‌رو بود که مناطق شمالی کردستان (ساجبلاغ) را به کردستان اردلان، کرمانشاهان و همدان مرتبط میساخت، اما بواسطه حضور ایلات و عشایر، شدت سرما و برف و کوهستانی بودن منطقه، مبادلات تجاری از این طریق غیرممکن بود (شمیم همدانی، ۱۳۷۰: ۸۳-۸۴). بعلاوه، این راه در بوکان و از طریق شاهین‌دژ به بیجار و تکاب نیز متصل میگردد. این راه در کنار روستا دوست‌علی به راه آذربایجان میپیوست و از شمال شرقی به شهر ساوجبلاغ منتهی میشد (ر.ک: نقشه ۴).

۳. مسیر ارتباطی ساوجبلاغ به سردشت و بانه و از آنجا به موصل

این راه مهمترین راه تجاری ساوجبلاغ با سردشت، موصل و حتی بغداد بوده است و بگونه‌یی یکی از راههای فرعی جاده ابریشم^۱ محسوب میشود؛ بدین صورت که از شهر میانه راه فرعی، از راه اصلی به جنوب دریاچه ارومیه، جلگه سلدوز و از کنار مهاباد به سردشت از طریق دره‌های تنگ زاب کوچک به شمال عراق منتهی میشد (نقشه ۵)؛ (مجیدزاده، ۱۳۶۶: ۳؛ ریاضی، ۱۳۷۴: ۴۹). این راه در سردشت با عبور از معابر آلان به شهر موصل منتهی میشد (شمیم همدانی، ۱۳۷۰: ۹). وجود قبایل غارتگر، ارتباط تجاری تبریز با بغداد را با عبور از ساوجبلاغ از طریق این راه دشوار

۱. این راه، راه ارتباطی افغانستان به آسیای صغیر بود که جهت آن شرقی- غربی بوده و افغانستان را از طریق خراسان، دامغان، سمنان، ری، دشت قزوین، زنجان، میانه، تبریز به آسیای صغیر متصل میکرد و سپس در جهت شمال غرب تا آاناتولی ادامه مییافت. شاخه دیگری از این راه از میانه، از طریق دره سلدوز و دره‌های تنگ زاب کوچک به طرف شمال بین‌النهرین ادامه مییافت (مجیدزاده، ۱۳۶۶: ۳).

میساخت و در نتیجه بازگانان مجبور به تغییر مسیر تبریز- کرمانشاه و از آنجا به بغداد و بالعکس بودند (فلاندن، ۱۳۲۶: ۴۴۴؛ ۲۹: Rawlinson, 1840). مینورسکی نیز اهمیت این مسیر را گوشزد کرده است (مینورسکی، ۲۰۰۷: ۹۵). این راه در سمت شمال غربی و در کنار تأسیسات کنونی سد به شهر مهاباد منتهی میشد. در میسر این راه دو بنای پل سلطان و کاروانسرای کوخی کورتهک و همچنین پلهای زیادی بر روی رودخانه زاب کوچک سردشت شناسایی شده‌اند که نشان از اهمیت راه یاد شده در دوره صفویه و بویژه عصر قاجاریه دارد (ر.ک: نقشه ۴).



نقشه ۵) موقعیت جاده‌ی ابریشم در ایران (مجیدزاده، ۱۳۶۶: ۴) و مسیر فرعی آن به شمال عراق و موقعیت مهاباد بوسیله نگارندگان افزوده شده است.

۴. مسیر ارتباطی ساوجبلاغ به آشنویه و ارومیه از طریق پسوه

این دهلیز ارتباطی، رشته کوه مرتفع سرحدی است که در نقاطی شامل گذرگاه کله‌شین و پیرانشهر امکان ارتباط با شمال بین‌النهرین را فراهم میکند (Reade, 1995: 178). این راهها در هزاره اول قبل از میلاد مورد استفاده بودند. گردنه کله‌شین به نسبت راههای دیگر دشوارتر است، اما برغم دشواری بسیار با توجه به شواهد و مدارک باستان‌شناسی، بویژه متون آشوری و کشف کتیبه اورارتویی از این محل بنظر میرسد توسط اورارتوییها برای دسترسی به حوضه جنوبی دریاچه ارومیه مورد استفاده قرار میگرفته است (Zimansky, 1985: 15). از این راه میتوان برای دسترسی به شمال رواندز استفاده کرد که در آن ژاکوبیتها از طریق این گذرگاه پارچه‌های پشمی و ابریشمی بافت سوریه را وارد ساوجبلاغ میکردند (اوبن، ۱۳۶۲: ۱۱۴). بعلاوه، این میسر امکان رفتن به موصل را با عبور از گردنه عظیم کله‌شین فراهم می‌آورد (دمورگان، ۱۳۳۹: ۴۸). این راه با عبور از روی پل سرخ (سور) به شهر مهاباد میرسید (ر.ک: نقشه ۴).

بازار تاریخی مهاباد (ساجبلاغ) با اتکاء به مستندات تاریخی و شواهد باستان‌شناسی یکی از مهمترین فضاهای شهر مهاباد در دوره قاجاریه بازار آن بود که در مرکز شهر با مختصات جغرافیایی "۳۶°۴۵'۵۷.۹۷" عرض شمالی و "۴۵°۴۳'۴۴.۶۱" طول شرقی نسبت به نصف النهار گرینویچ و در ارتفاع ۱۳۲۷ متر از سطح دریا واقع شده است (تصویر ۱).



تصویر ۱) موقعیت بازار تاریخی مهاباد در بافت کنونی مهاباد (Google Earth)

آنچنانکه از نقشه ۱۳۳۵ ه.ش برمی‌آید، بازار مهاباد سالم و پایرجا بود (تصویر ۲) اما متأسفانه احداث خیابان افشار بوسیله شهرداری و آتش‌سوزی ۱۳۵۲ ه.ش بخش اعظم آن را از بین برد، هر چند در جریان آتش‌سوزی درب و پنجره‌های چوبی و کالاهای داخل بازار به کلی طعمه حریق گردید، بدلیل استحکام پایه، دیوارها و طاقها بازسازی آن کاملاً امکانپذیر بود. اما با زور بیل مکانیکی بازمانده‌های قابل تعمیر و مرمت آن را هم بطور کامل تخریب کردند (صمدی، ۱۳۹۶: ۵۲) و در حال حاضر به غیر از راسته شافعی که از اشخاص خیر و نیکوکار مهاباد بوده و متعلق به عصر پهلوی اول است (تصویر ۳) و همچنین تعداد محدودی از حجره‌های کاروانسرای سیمون، آثار چندانی از بازار و مراکز تجاری آن روزگار باقی نمانده است.

بازار مهاباد که هسته اولیه آن در دوره صفویه شکل گرفته بود، در دوره قاجاریه رشد و توسعه یافت. بازار بعنوان قلب تپنده تجاری شهر در مهاباد همچون سایر شهرهای دیگر از رشد نسبتاً زیادی برخوردار بود.

راسته بازارها، کاروانسراهای بزرگ و کوچک، تیمها و تیمچه‌ها بخش محوری هسته مرکزی شهر را تشکیل میدادند (کریمی، ۲۰۱۴: ۳).



تصویر ۳) تصویری از راسته میرزا رحمت شافعی در بازار کنونی مهاباد (منبع: نگارندگان)



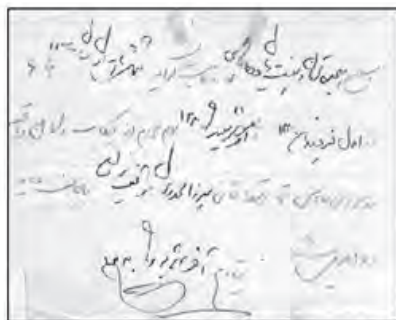
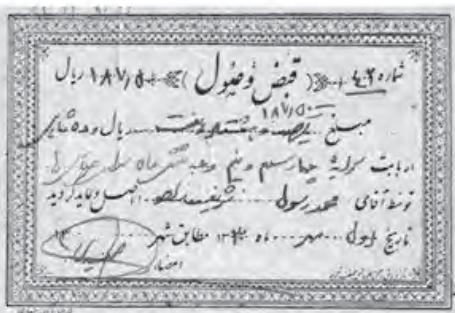
تصویر ۲) تصویری هوایی از بازار مهاباد در سال ۱۳۳۵ هـ.ش قبل از تخریب (منبع: سازمان نقشه برداری کشور)

الگوی بازار ساوجبلاغ طبق رسم متداول در بازارهای ایران بصورت خطی و رشد آن تدریجی و ارگانیک بوده است و با توجه به اقلیم سرد و کوهستانی منطقه، اغلب بصورت سرپوشیده و بخشهای انتهایی و موقت فصلی آن بصورت روباز است و از این لحاظ با بازارهای محلی منطقه نظیر ارومیه، آمد (دیاربکر)، ههولیر (اربیل) و بویژه تبریز^۱ شباهت دارد (تصویر ۴) (همان: ۹).



تصویر ۴) مشابهت‌های بازار مهاباد و تبریز نسبت به همدیگر (کریمی، ۲۰۱۴: ۹)

بطور کلی بازار ساوجبلاغ شامل سه هسته اصلی بوده است؛ بدینصورت که هسته اولیه شامل بازار تاجرباشی، تیمچه‌های دوگانه و راسته‌هایی نظیر پشم فروشان، کتیرا و آرد بوده است. قیصریه، تاریکه بازار، میدانچه‌های آهنگران و منگوران نیز هسته ثانویه این بازار را فرم میدادند و هسته سوم دربرگیرنده بازارهای فصلی و موقت همانند میدان حومه خرچه (محل فروش سبزیجات، لبنیات و حبوبات و ...) بود (همان: ۱۰). بعلاوه، بازار ساوجبلاغ دارای سراهای عباس‌آقا، کریم‌خان، شافعی و ... بوده است (تصویر ۵) (صمدی، ۱۳۹۶: ۵۳-۵۱).



تصویر ۵) وصول قبض دو سند که اشاره به وجود سرای عباس اقا در بازار ساوجبلاغ دارند (صمدی، ۱۳۸۸: ۳۸) همانگونه که از نظر گذرانده شد، بازار ساوجبلاغ به راههای مهم تجاری و بازرگانی زیادی دسترسی داشت (ر. ک. نقشه ۴) که از جمله مهمترین راههای تجاری این منطقه، راه تبریز - ساوجبلاغ مکرری بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۳۵) بگونه‌یی که ساوجبلاغ را با شمال غرب ایران و روسیه متصل میکرد. راولینسون، ژاک دمورگان، اوژن اوین و مینورسکی از افرادی هستند که به این امتیاز بازار مهاباد اشاره کرده و مینویسند که مازو، بلوط و گه‌زو از جنگلهای سردشت و بانه جمع‌آوری گشته و به بازار ساوجبلاغ آورده میشد و از آنجا برای مصارف رنگرزی به تبریز برده میشد و روسیه نیز از آن به مقدار زیادی دریافت میکرد (Rawlinson, 1840: 29؛ دمورگان، ۱۳۳۹: ۴۷؛ مینورسکی، ۲۰۰۷: ۹۹؛ اوین، ۱۳۶۲: ۱۱۴). سید محمد صمدی نیز مینویسد:

... تجار عمده ساوجبلاغ با تجار روسیه طرف معامله بودند. کما اینکه خانواده حاجی غفور قادری و کریمی در مسکو تجارت‌خانه داشتند. آنان از ساوجبلاغ، کتیرا، مازو، توتون، فرش، پشم و پوست حیواناتی نظیر روباه، گرگ و راسو به روسیه صادر میکردند و در مقابل، قند، چای، پارچه، سماور^۱ و نفت را از راه جلفا به ساوجبلاغ وارد میکردند (صمدی، ۱۳۷۳: ۱۳۶).

از دیگر راههای مهم تجاری ساوجبلاغ با منطقه اطراف، راه تجاری ساوجبلاغ با شمال عراق یا اصطلاحاً راه فرعی ابریشم بود (مجیدزاده، ۱۳۶۶: ۳؛ ریاضی، ۱۳۷۴: ۴۹). بدینصورت که اوژن اوین مینویسد: «... عده‌یی موصلی، عرب، کلدانی و ژاکوبیت^۲ در شهر ساوجبلاغ به تجارت و کسب و کار مشغولند. ژاکوبیتها از طریق گذرگاه رواندوز، پارچه‌های ابریشمی و پشمی بافت سوریه وارد میکنند» (اوین، ۱۳۶۲: ۱۱۴). صمدی نیز در این خصوص نوشته است: «... سرای

۱. میرزا حاجی قادر اوف (قادری) نخستین کسی بود که سماور ذغالی روسی را به مهاباد آورد (صمدی، ۱۳۸۱: ۱۳).
 ۲. «Jacobites»، یکی از فرقه‌های مذهبی انحصارطلب مسیحی شام (سوریه) است که در قرن ششم توسط ژاک باراده تأسیس گردید.

شافعی بازار ساوجبلاغ، محل داد و ستد تجار موصل^۱ بود که بطور مرتب بین ساوجبلاغ و موصل کالا رد و بدل میکردند» (صمدی، ۱۳۷۳: ۱۳۶). بعلاوه ساوجبلاغ مهمترین شاهراه تجاری بغداد با تبریز بوده است (فلاندن، ۱۳۲۶: ۴۴۴). علاوه بر ارتباط تجاری ساوجبلاغ با خارج از ایران، این شهر ارتباط تجاری گسترده با داخل ایران نیز داشت؛ بطوری که تجار مهابادی عموماً در تبریز، مراغه، همدان، اردبیل، خوی و ارومیه حجره، تجارخانه و دکان بخصوص توتون فروشی داشتند (صمدی، ۱۳۷۳: ۱۳۶). اوژن اُوبن در اینباره مینویسد:

«خریده‌های دیگر از تبریز و همدان، علی‌الخصوص از اردبیل فراهم میشود. جنگل بزرگی که کوهستان میان بانه و سردشت را پوشانده، کالاهای صادراتی تجارخانه‌های محلی از قبیل صمغ و مازو را که از طریق آستارا به روسیه صادر میگردد و همچنین بعضی مواد رنگرزی را که در بازار صنعت تبریز و همدان مصرف میشود، تأمین میکند» (اوبن، ۱۳۶۲: ۱۱۴).

بطور کلی این شهر مهمترین مرکز تجاری شمال غرب ایران با شهرهای مسکو، تفلیس، باکو، موصل، برلین و بوده است (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۹: ۷۶۳). تجارت در ساوجبلاغ در دوره قاجاریه با حمایت کشور روسیه شکل گسترده و ابعاد وسیعتری به خود گرفت. لازاریف گزارش جالبی از نفوذ تجار روس در ساوجبلاغ بدست میدهد و مینویسد: «در واقع تجار روس به این دید که کُردستان محل خرید و فروش کالاهای آنها باشد، نمینگریستند بلکه ایشان کُردستان را مرکز ارتباط اقتصادی قفقاز با ایران میدانستند، از اینرو در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، ساوجبلاغ مُکری بعنوان بزرگترین مرکز تجاری روسیه در مناطق کُردنشین بحساب می‌آمد» (لازاریف، ۱۹۸۹: ۷۰). در نتیجه روسها در سال ۱۲۹۷ هـ.ق (۱۸۸۰ م) موفق به تأسیس «شرکت تجاری - بانکی ساوجبلاغ» گردیدند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۶۶). علاوه بر شرکتهای روسی، شرکتهای فرانسوی نیز در ساوجبلاغ نقش فعالی داشتند. بیشاب از خرید و فروش قالیچه‌های پشمی در آن هر ساله به ارزش چند هزار فرانک صحبت میکند و مینویسد که این شهر ارتباط تجاری مناسبی با عشایر کوهستانها و ترکهای دشت‌نشین اطراف داشته و دارای بازار پر جنب و جوشی است که در آن کالاهای بهترین شکل ممکن عرضه میشوند (Bishop, 1891: 207). ژاک دمورگان نیز از پشمهای ساوجبلاغ که بخشی از آن برای ساخت پارچه‌های ضخیم و قالی تهیه میشود و قسمت دیگر آن نیز به شهرهای آذربایجان صادر میشد، صحبت کرده است (دمورگان، ۱۳۳۹: ۴۷). ویلهلم لیتن

۱. مینورسکی عمامه‌های حریر مردان ساوجبلاغی را بافت موصل ذکر کرده است (مینورسکی، ۲۰۰۷: ۹۸).

از نفوذ تاجری ایرانی بنام حاج احمد نوری در رواندز یاد میکند که نه تنها تجارت سراسر منطقه بلکه املاک اغلب آقایان کُرد را در دو سوی مرز اجاره کرده بود و از این املاک سود فراوانی دریافت میکرد. همچنین وی از شخصی بعنوان رئیس اداره گمرک در ساوجبلاغ نام میبرد (لیتن، ۱۳۶۸: ۱۴۸-۱۵۶). براساس موافقنامه سال ۱۹۰۷ م. بین انگلیس و روسیه تمام ولایات آذربایجان تحت تسلط روسها قرار گرفت. در نتیجه، بازار شهرهای شمال غرب ایران پر از کالاهای روسی گردید و تجار و مردم نیز بدلیل اینکه دولت روسیه صادقانه حامی منافع آنها بود تا حدی زیادی به این کشور چشم دوخته بودند (ویشارد، ۱۳۶۳: ۱۳۰). عبدالله ناهید نیز از دو تاجر باشی غیر بومی مورد حمایت روسها در ساوجبلاغ یاد کرده و مینویسد:

در زمان کنسولی الکساندر روسی در ساوجبلاغ، آساطور ارمنی با ارباب و تهدید و تطمیع در کوتاه مدت مالک ۶۰ تا ۷۰ پارچه آبادی گردید، حاج تقی تاجر تبریزی ملقب به تاجر باشی و معروف به آگنت از ابتدا تا پایان جنگ اول، کل تجارت منطقه را در دست گرفت و تقریباً انحصار توتون را که یکی از اقلام بسیار مهم تجاری منطقه بود، از آن خود نمود (ناهید، ۱۳۶۲: ۴۶-۴۷).

حمایت کنسول روسیه در ساوجبلاغ، باعث افزایش نفوذ قدرت تجار روسیه گردید و یک تاجر باشی که روسها به او «آگنت» میگفتند، در رأس تشکیلات تجار تبعه روسیه قرار گرفت که در واقع مستخدم کنسولگری روسیه در منطقه محسوب میشد (براون، ۱۳۵۱: ۱۸۷). در مجموع میتوان چنین استنباط کرد که تجار کُرد در ساوجبلاغ از قدرت چندانی برخوردار نبودند و فقط در صورت حمایت کنسولهای روسیه در ساوجبلاغ بوده که میتوانستند بعنوان یکی از عوامل متنفذ محلی، همردیف رؤسای ایلات و عشایر در عرصه سیاسی نقش خود را ایفاء نمایند (کلهر، ۱۳۸۷: ۱۴۱). در دوره قاجار در بازار ساوجبلاغ کاروانسراهای زیادی از جمله «کاروانسرای شیخی، سیمون، تاجر باشی، نراقیان، عایشه‌مار، کوسه، موصلیان و ... وجود داشت که تجار در آن به داد و ستد میپرداختند (نهمه‌دیان، ۱۳۹۱: ۱۳؛ صمدی، ۱۳۹۶: ۵۳). صمدی در اینباره مینویسد: کریمخان از نوادگان بوداق سلطان در ساوجبلاغ کاروانسرای با آجرهای قرمز رنگ چهار گوش در دو طبقه ساخته بود که به کاروانسرای همدانیان و کاشانیان مشهور بود که در اثر بمباران بعثیها در جریان جنگ هشت ساله آسیب جدی به آن وارد گردید. بعلاوه، وی مینویسد که در کاروانسرای مشهور به سرای شافعی، تاجران موصلی در آن به داد و ستد و رد و بدل کالا میپرداختند (صمدی، ۱۳۷۳: ۱۳۶). حاج سیاح و بهمن کریمی نیز به کاروانسراهای متعدد و بازار مفصل در ساوجبلاغ اشاره میکنند (سیاح، ۱۳۴۶: ۲۵۵؛ کریمی، ۱۳۲۹: ۲۰۳). تمام کالاهای درخواستی اهالی شهر بوسیله

اسب، قاطر و دیگر چهار پایان به شهر وارد میشد. در کنار این کاروانسراها کاهدانهای پر از کاه و علوفه و اصطبلهای جهت نگهداری چهارپایان وجود داشت و افرادی به نعل کردن و دوختن زین اسب در میدان آهنگران مشغول بودند. در داخل کاروانسراها اتاقهایی برای استراحت و خرید و فروش کالاها وجود داشت. در این کاروانسراها محصولات تولیدی داخل شهر و اطراف آن مانند: کتیره، مازو، گه‌زو، کشک، روغن، پشم گوسفند و بویژه توتون خریده میشد و در مقابل تجار، حنا، صابون، نفت و زیورآلات زنانه را به فروش میرساندند. قیصریه یا به اصطلاح محلی «گوزه» و یا تاریکه بازار که بصورت گنبد احداث شده بود (تصویر ۶) در آن اقشار مختلفی از یهودیها، آشوریان، کلدانیان، اعراب، ارمنیان و ایرانیان گرفته تا دست‌فروشها به خرید و فروش کالاهای خود میپرداختند و دارای مغازه‌ها و حجره‌های مجللی بود که مملو از کالاها و پارچه‌های حریر زرد، قرمز، اطلسی و زری‌های سبز، آبی و مشکی ساده بود (ئه‌حمه‌دیان، ۱۳۹۱: ۱۳).



تصویر ۶) بازار ساوجبلاغ در دههٔ چهل هجری شمسی قبل از آتش‌سوزی و تخریب (عزیزی و همه‌جانی، ۲۰۱۶: ۵)

میدان منگورها از هر چهار طرف سنگ فرش شده بود و اطراف آن را مغازه‌های کوچک و بزرگ دربرگرفته بود که در آن رنگریزها، ذغال فروشها، مسگرها و لمد فروشها و ... به فعالیت مشغول بودند (تصویر ۷) همچنین در میدان آهنگران نیز به ساختن نعل اسب، کلنگ، بیل، داس، چکش و گاو آهن مبادرت میورزیدند (همانجا).

این بازار در دورهٔ قاجاریه از جمله در اثنای جنگ جهانی اول و قیام شیخ عبیدالله، دچار خسارت و آسیب جدی و بکلی غارت گردید؛ بطوری که اسکندر غوریانس^۱ که خود شاهد وقایع شیخ

۱. اسکندر غوریانس ارمنی، تبعهٔ روس و ساکن ساوجبلاغ است که واقعهٔ قیام شیخ عبیدالله را در سال ۱۲۹۸ هـ.ق نگاشته است.



تصویر ۷) نمایی از میدان منگوران بازار ساوجبلاغ (حکیم‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۰۲)

عبیدالله در ساوجبلاغ بوده است، مینویسد: «تجار ایران و خارجه که در ساوجبلاغ بودند، دیدند که این فتنه روز بروز زور پیدا کرده و منجر به قتل نفوس خواهد شد، ناچار به شتاب راه فرار در پیش گرفتند» (غوریانس، ۲۵۳۶: ۳۲). در اواخر سلطنت قاجار نیز هنگام حمله سمکو رئیس ایل شکاک بازار ساوجبلاغ و خانه‌های اعیان و اشراف غارت شد (قاضی، ۱۳۷۱: ۴۵؛ هه‌ژار، ۲۰۰۷: ۱۲). متأسفانه از مراکز تجاری مهاباد تنها یک کاروانسرا هم اکنون باقی مانده که به «کاروانسرای سیمون» معروف است. سیمون شخصی یهودی و صاحب کاروانسرا بود. اینکه این بنا متعلق به چه دوره‌یی است، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ بهروزخان محمدی و علی صدرائی کاروانسرای سیمون را از آثار عصر بوداق سلطان دانسته‌اند (خان‌محمدی و صدرائی، ۱۳۹۲: ۴۲) اما با احتمال زیاد همانند دیگر کاروانسراهای شیخی، تاجرباشی، نراقیان، عایشه مار، کوسه و موصلیان و ... از مهمترین مراکز تجاری مهاباد در عصر قاجاریه بوده است. این کاروانسرا در کنار خیابان کنونی سید نظام و میدان آردی سابق و حمام میرزا رسول با مختصات جغرافیایی "۴۵°۵۳'.۷۵" عرض شمالی و "۲۸.۳۳" ۴۳° طول شرقی در ارتفاع ۱۳۲۴ متری از سطح دریا واقع شده است (تصویر ۸).



تصویر ۸) موقعیت کاروانسرای سیمون در بافت کنونی شهر مهاباد (Google Earth)

مصالح اصلی بنا آجر است و از چوب، کاهگل و حصیر، جهت پوشاندن سقف و از سنگ، جهت فرش کردن کف کاروانسرا استفاده شده است. کاروانسرای سیمون شامل دو بخش تجاری و خدماتی بوده است: بخش اول که مهمترین بخش آن نیز محسوب میشود، بخش تجاری آن است که شامل حجره‌های جهات غربی و جنوبی کاروانسرا میشود که در آن تجارت بلوط، مازو، پشم و بویژه توتون نواحی اطراف مانند پیرانشهر و سلدوز در آن خرید و فروش میشد. بخش دوم نیز دربرگیرنده مکان نگهداری چهارپایان و کاهدانهای علوفه ضلع شرقی و شمالی بود. در شرایط حاضر بخشهایی از این بنا و بویژه ورودی اصلی آن، که از سمت جنوب بوده و دروازه چوبی با ارتفاع ۲/۸۴ سانتیمتر و عرض ۳ متر داشته، مسدود شده و راه منتهی به آن از سمت غربی میسر است (تصویر ۹).



تصویر ۹) درب اصلی کاروانسرای سیمون در ضلع جنوبی آن (منبع: نگارندگان)

متأسفانه جز تعدادی اتاق یا حجره از این کاروانسرا در ضلع غرب و جنوب غرب چیزی باقی نمانده است و آنچه که نیز موجود است، نمای بیرونی حجره‌هاست که تا حدودی شکل اولیه خود را حفظ کرده‌اند (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰) نمونه‌یی از نمای بیرونی حجره‌های کاروانسرای سیمون (منبع: نگارندگان)

در مجموع از بارزترین ویژگی این کاروانسرا میتوان به ساخت آن براساس الگوی کاروانسراهای کوهستانی با سقف تخت و مسطح اشاره کرد. در این کاروانسرا آسیاب آبی وجود داشته که در فصل بهار حجم زیاد آب آن از روستای لاجین، که بوسیله کانال به داخل کاروانسرا میرسید، تأمین میشد و در دیگر فصول از آب سه چاه داخل حیاط که سنگچین شده بودند نیز استفاده میشد. در زمان حال نیز از این کاروانسرا برای انجام فعالیتهای تجاری استفاده میشود و سه دانگ آن تحت تملک خانواده شافعی، یک دانگ و نیم متعلق به خانواده شاطری و یک دانگ و نیم دیگر نیز در اختیار شهرداری مهاباد است^۱ (گفتگوی شخصی با کریم رشیدپور در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۵، در کاروانسرای سیمون).

نتیجه‌گیری

بازار ساوجبلاغ از بارزترین کانونهای تجاری شمال غرب ایران در عصر قاجاریه بوده است. هسته اولیه بازار مزبور باحتمال زیاد به امر بوداق سلطان مؤسس شهر ساوجبلاغ در اواخر دوره صفویه شکل گرفت. منابع نوشتاری نشان میدهد که در دوره بوداق سلطان منطقه کُردستان مکرری به سبب منابع نمک دریاچه ارومیه، مورد توجه ولایتهای اطراف و حتی خارج از ایران بوده است. بازار ساوجبلاغ با ادامه حیات در ادوار افشاریه و زندیه بتدریج در عصر قاجاریه بدلیل ارتباط تجاری و فرامنطقه‌یی با امپراتوری عثمانی، روسیه، اروپا و دیگر نقاط ایران و نیز واقع شدن در جاده ابریشم به قطب اقتصادی منطقه تبدیل شد و بعنوان مهمترین عنصر جهت ادامه حیات شهر قلمداد شد. قیصریه یا به اصطلاح محلی «گوزر» در مساحت وسیعی بصورت طاق و گنبد احداث شده بود که در آن کاروانسراهای بزرگ و کوچک، تیمچه‌ها، راسته‌های تعریف شده همچون آهنگران، مسگرها، پارچه‌فروشیها و ... در مقیاس نه چندان بزرگ ولی در عین حال کامل، هسته مرکزی شهر را تشکیل میداد و در آن اقشار مختلفی از کُردها، یهودیان، تجار تبریزی، همدانی و موصلی، عرب، کلدانی و ژاکوبیتها به تجارت و کسب و کار مشغول بودند و در واقع حضور اقشار مختلف در بازار آن روزگار نشانه اهمیت تجاری شهر ساوجبلاغ است. با حضور روسها در شمال غرب ایران و بخصوص ساوجبلاغ تجارت در بازار آن شکل گسترده و ابعاد وسیعتری بخود گرفت. بدینصورت که در سال

۱. نگارندگان در توصیف این بنا نهایت استفاده از گفته‌های کریم رشیدپور حاصل کرده و سلامتی و طول عمر بیشتر را برای ایشان آرزومندند.

۱۲۹۷ هـ.ق (۱۸۸۰ م.) روسها «شرکت تجاری - بانکی ساوجبلاغ» را تأسیس کردند و ساوجبلاغ را به مرکز اقتصادی قفقاز با ایران تبدیل کردند. بعلاوه قونسولگریهای عثمانی، روسیه، آمریکا و موقعیت این شهر در یکی از راههای فرعی «جاده معروف ابریشم» باعث اعتلای ثروت و رفاه اقتصادی مردم و ضرب فلسهای مسی توسط حاکمان بومی گردید (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱) نمونه‌یی از فلسهای ضرب ساوجبلاغ مُکری با نقش پرندگان آبی (سلیمی: ۱۳۹۶: ۱۱۵)

موقعیت سرحدی ساوجبلاغ و ارتباط آن با عراق، آناتولی، روسیه و داخل ایران بوسیله شبکه‌های ارتباطی به بازار آن جایگاه منحصر بفرد و پویایی ویژه‌یی داد و در واقع هر کدام از این شبکه‌ها منبع تأمین کننده کالاهای بازار و ساکنان شهر ساوجبلاغ و صادر کردن مواد خام آن به داخل و خارج از ایران بودند و با توجه به موقعیت کوهستانی منطقه بر روی هر کدام از این راهها بناهایی مانند پل سرخ، پل سلطان، پل میرزا رسول، کاروانسرای کوخ کورتک و ... بنا گردیده که نقش ارتباطی مهمی را بین مهاباد و بازار آن با نواحی مجاور داشتند. عوامل طبیعی و محیطی همچون پوشش جنگلی بلوط و مازو بین بانه و سردشت، محصول توتون بعنوان مهمترین اقلام کشاورزی منطقه و تهیه پشم و پوست از دامداری عشایر اطراف مُکریان، بازار ساوجبلاغ را بعنوان تأمین کننده مواد اولیه بازارهای درخواستی مناطق همجوار و بخصوص روسیه تبدیل کرد. بازار مذکور دارای کاروانسراها، حجره‌ها و دکانهای زیادی بود که مبادلات تجاری ساکنان شهر و روستاهای پیرامون را تسهیل میکردند. کاروانسراها اکثراً نزدیک به بازار و میدانهای شهر احداث شده بودند تا تجار و بازرگانان براحتی کالاهای خود را جهت عرضه و به نمایش گذاشتن آنها در دکانها و حجره‌های بازار و میداین شهر منتقل کنند. همچنین کاروانسرای سیمون با آسیابهای آبی

نزدیک به میدان آردی (محل خرید و فروش غلات و حبوبات) نیاز ساکنان شهر را در خرید و فروش غلات و آسیاب کردن غلات نواحی اطراف براحتی امکان‌پذیر میکرد (نقشه ۶).



نقشه ۶) پراکندگی فضاهای عام‌المنفعه در سطح بافت دوره صفویه و قاجاریه نزدیک به بازار (منبع: پردازش از نگارندگان)

متأسفانه در دهه‌های اخیر، بدلیل آتش‌سوزی، احداث خیابان افشار توسط شهرداری و تغییر و تحولات زیاد توسط مردم از بازار بویا و فعال عصر قاجاریه، بغیر از راسته میرزا رحمت شافعی و کاروانسرای سیمون اثری باقی نمانده است و مطالعه مزبور تنها براساس منابع نوشتاری از سیاحان، جهانگردان، دیپلمات نظامی، محققان و نویسندگان محلی به انجام رسیده است.

منابع فارسی

- اعتمادالسلطنه؛ روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، بکوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۹.
- اوین، اوژن؛ ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶م، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: کتاب‌فروشی زوآر، چاپ اول، ۱۳۶۲.
- بدلیسی، شرف‌الدین بن شمس‌الدین؛ شرفنامه، بکوشش محمدعلی عونی، مصر: انتشارات فرج‌الله ذکی الکردی، ۱۸۶۰م.
- بابا طاهری، حسن؛ مهاباد دیروز و امروز، شهرداری مهاباد، ۱۳۵۱.
- براون، ادوارد؛ نامه‌هایی از تبریز، ترجمه حسن جوادی، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۱.
- حکیم‌زاده، فریدون؛ ساوجبلاغ مکرری (مهاباد در آیین اسناد تاریخی)، مهاباد: انتشارات مرکز نشر فرهنگی هیوا، چاپ اول، ۱۳۸۹.

- حمه‌جانی، یوسف؛ عزیزی، کلثوم؛ «بررسی شاخصهای پایدار در معماری بازارهای سنتی (نمونه موردی: سرای کریم‌خانیه مهاباد)»، همایش بین‌المللی مهندسی عمران، معماری و شهرسازی، ترکیه: دانشگاه استانبول، ۲۰۱۶م.
- خضری، سعید؛ «جغرافیای تاریخی مکریان در چهار سده اخیر»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۹۲، ۱۳۸۸.
- خان‌محمدی، بهروز؛ صدرائی، علی؛ «بررسی و معرفی کاروانسرای ارومیه و مسیر جاده ابریشم در آذربایجان غربی»، فصلنامه علمی فنی هنری اثر، شماره ۶۰، ۱۳۹۲.
- دمورگان، ژاک؛ جغرافیا غرب ایران، ترجمه کاظم ودیع، تبریز: انتشارات شفق تبریز، جلد دوم، ۱۳۳۹.
- روحانی، بابا مردوخ؛ تاریخ مشاهیر کرد (امرا و خاندانها)، بکوشش محمدماجد مردوخ روحانی، تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- ریاضی، محمدرضا؛ «جاده ابریشم: شکلگیری و پیشینه»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال نهم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۴.
- سیاح، حاج محمدعلی؛ خاطرات یا دوران خوف و وحشت، بکوشش حمید سیاح، تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: کتابخانه ابن‌سینا، ۱۳۴۶.
- سلیمی، اسماعیل؛ «روند شکلیابی و توسعه شهر مهاباد با اتکاء بر داده‌های باستان‌شناسانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۶.
- شمیم‌همدانی، علی‌اصغر؛ شرح جغرافیای طبیعی و سیاسی و اقتصادی کردستان و بیان نژاد و تاریخچه سیاسی و زبان و مذهب و تقسیمات ایلات کرد، تهران: انتشارات مُدبر، ۱۳۷۰.
- صمدی، سید محمد؛ تاریخ مهاباد، مهاباد: انتشارات رهرو مهاباد، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- _____؛ «آیا در برابر حفظ و حراست از مکانهای تاریخی و فرهنگی، مسؤولیتی وجود دارد؟»، فصلنامه کشکول (فصلنامه تخصصی اسناد و نسخه‌های خطی مناطق کردنشین)، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۹۶.
- _____؛ ضمیمه‌نگاهی به تاریخ مهاباد، مهاباد: انتشارات رهرو مهاباد، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- _____؛ نیم‌نگاهی به گذشته مهاباد، منتشر نشده.
- ضیایی، شیخ رئوف؛ یاداشتهایی از کردستان، بکوشش عمر فاروقی، سقز: انتشارات صلاح‌الدین ایوبی، ۱۳۶۳.

- عیسوی، چارلز؛ تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار، ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه.ق)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات نشر گستره، چاپ اول، ۱۳۶۲.
- غزالی، محمدبن محمد؛ احیاء علوم‌الدین (ربع چهارم، ربع منجیات)، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، بکوشش حسین خدیوچم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۸۶.
- غوریانس، اسکندر؛ قیام شیخ عبیدالله شمزینی در عهد ناصرالدین شاه، بکوشش عبدالله مردوخ کردستانی، تهران: انتشارات دانش، چاپ اول، ۲۵۳۶.
- فلاندن، اوژن؛ سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نور صادقی، تهران: انتشارات اشراقی، چاپ سوم، ۱۳۲۶.
- قاضی، محمد؛ خاطرات یک مترجم، تهران: نشر راهروه، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- کوچرا، کریس؛ جنبش ملی‌گردد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: انتشارات نگاه، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- کریمی، هیرو؛ «بازارها تجسمی از اتصال جامعه، اقلیم و سنت در معماری ایران (نمونه موردی، بازار مهاباد)»، دومین کنگره بین‌المللی سازه، معماری و توسعه شهری، تبریز: ۱۵ و ۱۶ دسامبر ۲۰۱۴ م.
- کلهر، محمد؛ «بررسی زمینه‌های تاریخی توسعه‌نیافتگی شهرهای گردنشین (با تکیه بر ساوجبلاغ مکرری و سنندج)»، دانشنامه (مجله دانشگاه آزاد)، ۱۳۸۷.
- کریمی، بهمن؛ راههای باستانی و پایتختهای قدیمی غرب ایران، تهران: انتشارات پازینه، ۱۳۲۹.
- لیتن، ویلهلم؛ خاطرات ویلهلم لیتن، ترجمه پرویز صدری، تهران: نشر ایرانشهر، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- محمودی، فرج‌الله؛ جغرافیای ایران، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، تهران: نشر ایران، ۱۳۷۵.
- مروی وزیر مرو، محمد کاظم؛ عالم آرای نادری، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: انتشارات زوار، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۶۴.
- مجیدزاده، یوسف؛ «سنگ لاجورد و جاده بزرگ خراسان»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال اول، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۶۶.
- مقصودی، مهران؛ برزکار، محسن؛ عباسی، موسی؛ مرادی، انور؛ «ارزیابی توانمندیهای ژئوتوریسمی ژئومورفوسایتهای شهرستان مهاباد»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری، سال هشتم، شماره ۲۵، ۱۳۹۳.

- موبلی، ریچارد. آ؛ روابط جمهوری کُردستان و جمهوری آذربایجان ۱۹۴۶-۱۹۴۵ م، ترجمه حسن قاضی، سلیمانیه: انتشارات شوان سلیمانیه، ۲۰۰۸ م.
- نادر میرزا، شاهزاده؛ تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، بکوشش محمد مشیری، تهران: انتشارات اقبال، چاپ سوم، ۱۳۶۰.
- نوحه‌خوان، حامد؛ «معیارهای تقسیمات کشوری در دوره پهلوی»، خردنامه، سال چهارم، شماره نهم، ۱۳۹۱.
- نصیری، محمد ابراهیم زین‌العابدین؛ دستور شهریاران، بکوشش محمد نادر نصیری مقدم، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ناهید، عبدالله؛ خاطرات من، بکوشش احمد قاضی، تهران: انتشارات نفیسی فر، ۱۳۶۲.
- نیکیتین، واسیلی؛ کُرد و کُردستان، ترجمه محمد قاضی، انتشارات نیلوفر، تهران: چاپ دوم، ۱۳۶۶.
- _____؛ ایرانی که من شناخته‌ام، ترجمه و نگارش فره‌وشی، مقدمه ملک‌الشعراء بهار، تهران: نشر معرفت، ۱۳۲۹.
- وان برونسن، مارتین؛ سرگذشت شورش سمکو قبایل کُرد و دولت ایران، ترجمه محمد صمدی، مهاباد: نشر رهرو، ۱۳۸۱.
- ویشارد، جان؛ بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، تهران: مؤسسه انتشاران نوین، چاپ اول، ۱۳۶۳.

منابع کُردی

- جه‌لانی پور، حمید رها؛ قازی محممه‌د (کُردستان له ساله کانی ۱۹۴۶-۱۹۴۱ م)، تاران: ناشر ته‌وه‌کولی، چاپی دووهم، ۱۳۸۴.
- لازاریف؛ کیشه کورد، وه‌رگیرانی کاووسی قه‌فقان، بلاوکردنه‌وهی مطبعه الحافظ، به‌غدا، به‌رگی اول، ۱۹۸۹ م.
- مینورسکی، فلاذیمیر؛ بنچینه‌کانی کورد و چهند و تاریکی کوردناسی، سلیمانیه: وه‌رگیرانی نه‌جاتی عه‌بدوللا، بلاوکراره‌هی مه‌کتبی بیر و هوشیاری، ۲۰۰۷ م.
- هه‌ژار؛ چیشتی مجبور، بلاوکردنه‌وهی میهره‌گان، چاپی دووهم، ۲۰۰۷ م.
- ئەحمه‌دیان، محممه‌د؛ «سابلاغ، سه‌د سال به‌ر له ئیستا»، گو‌فاری کومه‌لایه‌تی، فره‌ه‌نگی و ئەده‌بی مه‌هاباد، سال دوازدهم، ژ ۱۳۴، ۱۳۹۱.

منابع انگلیسی

- Bobek, H., “Die Hauptstufen der Gesellschafts- und Wirtschaftsentfal”, in *geographischer Sicht*, 1959.
- Bishop, Isabella, *Journeys in Persia and Kurdistan*, vol. II, London, 1891.
- Ehlerz, E., *Article Set (Iran city- Nation- Village)*, translation Saedy, Abas, Monshy, Tehran, 2001.
- Ker Porter, S. R., *Travels in Georgia, Persia, Armenia, Ancient Babylonia*, vol. I, London, 1822.
- Lapidus, *Iran Marivan, Muslim Cities in the Later Middle Ages*, Cambridge Mass, 1967.
- Rawlinson. H.C., “Notes on Journey from Tabriz, through Persian Kurdistan, to the Ruins of Takhti- Soleiman, and fram Thence by Zenjan and Tarom, to Gilan, in October and November”, 1838; With a Memoir on the Site of the Atropatenian Ecbatana, *Journal of the Royal Geographical Society of London*, vol. 10, 1840.
- Reade, J., *Iran Neo-Assyrian Geography*, ed by Mario Liverani, Roma, 1995.
- Soltanzadeh, H., *Iran Urbanizaation and City History Preface*, Amirkabir, Tehran, Tabriz Municipality, Urban Planning Observation office, 1986.
- www. Harvard. Edu.
- Wirth., E, *Zum Problem des Bazars in Der Islam*, 1974
- Zimansky, P. E., *Ecology and Empire; the Structure of the Urartian State*, University of Chicago, 1985.